



محمد زمیم زاده
سردبیر

سردقاله

دمشق را رسانه فتح کرده جولانی. این جمله‌ای است که به نقل از یک فرمانده مشهور نظامی در گروه‌های مختلف در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود، فارغ از صحت و سقم انتساب این تحلیل به فرمانده مشهور، خود این گزاره به تنهایی محل تأمل و قابل بحث است.

اگر معنای عبارت بالا این باشد که حکومت اسد دچار هیچ خطا و ایرادی نبوده و کارآمد بوده، اما رسانه بخش مهمی از مردم سوریه را به این نقطه رسانده است که یک آینده رعب‌آور و نامعلوم را به آن حکومت ترجیح دهند، حتماً گزاره بالا غلط است. این باور که رسانه می‌تواند از هیچ همه‌چیز بسازد و یک فراواقعیت تختلی خلق کند؛ انگاره دقیقی نیست. این گزاره‌ها در دمشق که در هیچ نقطه‌ای از دنیا کار نمی‌کند.

اما اگر معنای این عبارت این باشد که پایان دادن به حکومت اسد معلول یک مثلث سه‌ضلعی از ناکارآمدی داخلی، طراحی امنیتی و سیاسی خارجی و آتش تهیه رسانه‌ای بوده که اگر هرکدام از این‌ها نبود سقوط ۱۱ روزه رخ نمی‌داد، حرف دقیقی است. درباره‌ی دو ضلع نخست این مثلث کم‌وبیش حرف زده شده، اما آنچه کمتر گفته شده این است که می‌توان در ماجرای دمشق ردیابی یک جبهه رسانه‌ای هماهنگ را قبل، حین و پس از سقوط به‌وضوح مشاهده کرد؛ جبهه‌ای که در رأس آن الجزیره قطر حتی جلوتر از سی‌ان‌ان قرار داشت.

تحلیل محتوای رسانه قطری که در واقعه ۷ اکتبر و حوادث پس از آن معمولاً طرف جریان ضداسرائیلی ایستاده بود، در این ماجرا نشان می‌دهد آن‌ها آنچه را در سال‌های متعددی در منطقه چیده بودند، به خوبی برداشت کردند. فقط به یک فقره حوادث پس از سقوط اسد دقت کنید.

پس از تغییر رژیم دمشق دو موضوع در افکار عمومی منطقه دربارہ سوریه پررنگ شد؛ یکی ماجراهای زندان صیدلیانا و دیگری اشغال بخش مهمی از خاک سوریه توسط صهیونیست‌ها و تسلط نتانیاهو به منافی استراتژیک بدون هیچ‌گونه مقاومتی از سوی نیروهای جولانی.

از میان دو موضوع بالا دوگانه سسی‌ان‌ان و الجزیره تمام ظرفیت خود را به کار بردند تا مسئله اول-ولو با کلیپ‌های دروغین-اصطلاحاً ویرال و تبدیل به جریان غالب رسانه‌ای شود تا در جهان عرب و حامیان آرمان فلسطین کسی سؤال نکند چرا رسانه‌های مثل الجزیره که در وقایع ۱۴ ماه اخیر خط مقدم اصلی جریان رسانه‌ای ضدصهیونیستی است، این تپانی آشکار در منطقه جولانی را که به‌دست‌آور بزرگ برای صهیونیست‌ها منجر شد، بایکوت می‌کنند و چیزی در باره آن نمی‌گویند یا خیلی کم‌اثر پوشش می‌دهد.

مدیران الجزیره احتمالاً اینچنین از هزینه رسانه‌ای بالای چنین سیاستی در درازمدت مطلع بودند، اما در محاسبه هزینه و فایده تصمیم گرفتند این هزینه را بپذیرند و اصطلاحاً از جیب بخورند. آن‌ها در این فقره از اعتمادی که سال‌ها در حوزه دست آورده بودند، خرج کردند تا بتوانند یک امر استراتژیک دولت متبوع‌شان یعنی قطر را پیش ببرند و البته اتخاذ این تصمیم نیاز به داشتن یک ذخیره پروپیمان از سرمایه مخاطب است که یک شبه به‌دست نیامده است.

دیگر از اینجاست که بعد از تکرار مکررات است و روضه خوانی. روضه مکشوف این است که چرا کشور کوچک قطر رسانه استراتژیک یکی چون الجزیره دارد و ما با این همه نقش مهم در منطقه و فرمانتفه لثی از چنین ظرفیتی را نداریم تا در شرایط اینچنینی در افسانده نمایانیم؟

الجزیره حاصل اعتماد حاکمیتی تمام‌بند است که در سال‌های متعددی از دم و دزم و قلم و قدم برای تولید یک ظرفیت بزرگ دریغ نکرده است و یک تجربه چند دهه‌ای پیچیده انگلیسی از رسانه‌داری که ری‌برند شده است و الجزیره را شکل داده، البته برای او و افسوس بیشتر خیلی نیاز نیست الجزیره را ببینیم، بلکه بهتر است خودمان را تماشا کنیم.

الجزیره غیر از پول و امکانات-که حتماً مهم است-نمادی از نگاه حرفه‌ای حکمرانی به امر رسانه است؛ حکمرانی رسانه‌ای که می‌فهمد رسانه جمع‌جبری بردارهای مثبت و منفی است و نه مسابقه فوتبال یک طرفه که قرار است ما همیشه بدون گل خورده پیروز شویم. برای نمره دادن به رسانه باید برآیند گرفت نه که نقطه‌ها را بشمارد. حکمرانی‌ای که موضوع تولید سرمایه و اعتماد مخاطب را می‌فهمد و به مدیترش جرئت می‌دهد تا اعتماد لازم را جذب کند و به‌نگام آن را خرج کند... در اوایل ۷ اکتبر الجزیره سخنرانی‌های همه‌اطراف جنگ از حماس و حزب‌الله تا ایران و آمریکا... و حتی گالات و نتانیاهو را مستقیم و کامل پوشش می‌داد. چرا؟ چون می‌خواست مخاطب حس کند هر نیاز خبری‌ای که دارد همین جات‌این می‌شود و نیاز نیست جای دیگری برود. آن وقت در سوپر مارکت رسانه‌ای که ساخته بود، ابو عبیده را به مثابه یک سوپرمن بر ساخت می‌کرد و وقایع غرور آن گونه که لازم بود روایت؛ که در نهایت باعث عصبانیت صهیونیست‌ها هم شده بود. حال فرض کنیم یک رسانه بخواهد چنین کاری در ایران انجام بدهد چه بر سرش می‌آید؟

الجزیره با نیروی انسانی پر تعداد و حرفه‌ای در فلسطین و لبنان و... تقریباً مرجع اول همه اخبار دست‌اول شده بود. این روش در نظام رسانه‌ای دنیا تقریباً یک امر بدیهی است. در بسیاری از موضوعات مهم به فراخور نیاز از چند خبرنگار مورد اعتماد مرجع خبری می‌سازند و حتی ذهن رقیب را هم با اطلاعاتی که آن‌ها نشر می‌دهند و ممکن است حتی بخشی از آن‌ها فیک‌نیوز هم باشد، سامان می‌دهند. پاراک راوی، لارس نورمن، منابع نزدیک به آکسیوس و... این‌ها سامانی است که ماه‌های اخیر و در جریان ردوبدل شدن آتش بین ایران و صهیونیست‌ها بارها نامشان را شنیده‌ایم، اما از این طرف ماجرا تقریباً نامی ساخته نشده است. چون به‌خبر و خبرنگار حتی در حد ایزاری برای سوءاستفاده هم ارزش قائل نیستیم. و این گونه می‌شود که الجزیره دمشق را فتح می‌کنند و ما تماشا.

شنبه
اول دی ۱۴۰۳
۱۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶
۲۱ دسامبر ۲۰۲۴

شماره
۴۳۰۹
صفحه
۱۶
تومان
۱۰۰۰۰

ماجرای زبان بدن
در اجلاس قاهره بر متن غلبه کرد

مشاوره به مشاوران

۲

چرا ارتباط ایران
با افکار عمومی جهان اسلام
و منطقه ضعیف است؟

دیپلماسی بی‌کلام

۱۲

قناة الجزيرة 1,403,048 subscribers

ما و جزیره سرگردانی

پروژه الجزیره چه مشخصاتی دارد؟
نسبت آن با مقاومت چیست؟

۷

بعد از یک هفته تعطیلی دانش‌آموزان همچنان بلا تکلیفند

امتحان سخت تعطیلی مدارس

۲

معاون فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»
از جشن یلدای پرحاشیه این دانشگاه و... گفت

تشکل‌ها برنامه نداشتند خودمان مدیریت کردیم!

۵

بررسی سرانه مصرف انرژی بخش ساختمان از آماری هولناک خبر می‌دهد

ایران پر مصرف‌ترین بعد از همسایه‌های قطب شمال

۱۶